

«بررسی فقهی - اقتصادی بازار ثانوی سپرده‌های مدت‌دار»

«در بانکداری بدون ربا»

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید عباس موسویان

دبیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ویژگی اصلی بانکهای تجاری نسبت به دیگر بنگاههای اقتصادی در این است که بخش اعظم منابع مالی آنها را بدهی بانکها تشکیل می‌دهد که در قالب انواعی از سپرده‌های بانکی از مردم گرفته شده است و بانک متعهد شده علاوه بر پرداخت اصل سپرده نسبت به بعضی (سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار)، مازادی تحت عنوان جایزه، سود یا بهره نیز بپردازد، این ویژگی مدیران بانک را ملزم می‌کند در تخصیص منابع بانک اصول سه‌گانه زیر را مدنظر گیرند.

اصولی که در تخصیص منابع لازم است رعایت شود.^۱

۱- اصل منفعت: یک بانکدار تجاری می‌داند علاوه بر هزینه‌های جاری بایستی رقم عمده‌ای به نام سود یا بهره به سپرده‌گذاران بپردازد و می‌داند به جهت شفافیت قابل توجه بازار پول و سرمایه اگر درصد پرداختی بسبب به دیگر نهادهای پولی و بانکی ولو یک در صد کمتر باشد به مذاق سپرده‌گذاران خوش نیامده، با مراجعه پی در پی آنان مواجه خواهد شد و منابع بانک به سرعت کاهش خواهد یافت، بر این اساس ضروری است همانند یک بنگاه تجاری با برنامه ریزی دقیق و حساب شده تمام منابع آزاد بانک را تا جایی که امکان دارد (اصول دیگر خدشه‌دار نشده است) در بهترین فرصتها به کار گرفته دنبال حداکثر کردن سود بانک باشد.

۲- اصل امنیت: این اصل به بانکدار هشدار می‌دهد که نمی‌توان به جهت رسیدن به حداکثر سود، منابع بانک (سپرده‌ها) را به خطر انداخت و او را از صرف منابع در زمینه‌هایی که اطمینان

۱- اصول بانکداری دکتر عباس صدقی دانشگاه تهران ص ۱۷۷-۱۷۵، پول و ارز بانکداری مجتبی زمانی ص ۱۴۴-۱۲۲

کافی بر بازگشت اصل و فرع منابع ندارد بر حذر می‌کند، چراکه تاریخ بانکداری به او آموخته یک اشتباه در این زمینه اعتماد عمومی را سلب کرده موجب هجوم همزمان صاحبان سپرده خواهد شد.

۳- اصل نقدینگی: چنانچه گفتیم منابع اصلی بانک را سپرده‌های بانکی تشکیل می‌دهد که صاحبان آنها به دلائل مختلف گاه و بیگاه به بانک مراجعه کرده مطالبه وجوه خود را می‌کنند و با این عمل ثبات منابع را به خطر می‌اندازند و این در حالی است که معمولاً طرحهای سودآور، بلند مدت و زمان برند و نیاز به منابع مالی با ثبات دارند. رعایت همزمان اصول مذکور که معمولاً غیر هم‌جهت هستند فکر مدیران و نظریه‌پردازان اقتصاد پول و بانکداری را از زمانهای دور به خود مشغول کرده و منجر به ارائه نظریه‌ها و روشهای زیر گردیده است.

نظریه‌های بانکی برای تأمین تخصیص منابع^۱

۱- نظریه دیون تجاری^۲

این نظریه که در قرن نوزدهم گسترش یافت بانکها را تشویق به اعطای اعتبارات کوتاه مدت فصلی می‌کرد، در این روش وامهای اعطایی به سرعت به گردش می‌افتاد و در مدت زمان کوتاهی به پول نقد تبدیل می‌شد در نتیجه بانکها پیوسته مقداری پول نقد که بتوانند جوابگوی مراجعات سپرده‌گذاران باشد داشتند.

این نظریه اگر چه «اصل نقدینگی» را تا حدی تأمین می‌کرد لکن در برآوردن «اصل نقدینگی» را تا حدی تأمین می‌کرد لکن در برآوردن «اصل منفعت» ناتوان بود چرا که اعتبارات هر اندازه که کوتاه مدت‌تر باشد نرخ بهره کمتری خواهند داشت از طرف دیگر مقبولیتی برای متقاضیان اعتبارات بزرگ نداشت چون در کوتاه مدت توان برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از آن را نداشتند کمااینکه در تأمین «اصل امنیت» با مشکلاتی مواجه بود چرا که در این سیستم بازرگانان و تولید کنندگان بصورت ادواری از بانکهای مختلف وامهای کوتاه مدت می‌گرفتند و در حقیقت در سررسید مقرر با استفاده از اعتبار یکی، بدهی خود به بانک دیگری را پرداخت می‌کردند نتیجه اینکه بدهی وی اگر چه برای یک بانک کوتاه مدت و نقدپذیر بود لکن برای کل نظام بانکی وام بلند مدت و نقد ناپذیر تلقی می‌شد و بر خلاف وامهای بلند مدت که به تدریج پرداخت می‌شوند، این

۱ - مطالب این قسمت با استفاده از کتاب پول و بانکداری یوجین. ا. دیولیو ترجمه حسین حشمتی مولائی ص ۱۸۶ - ۱۷۹ و ۲۲۰ - ۲۱۵ و بانکداری نوین راجر لروی میلر ترجمه احمد ناهیدی ص ۲۱۸ به بعد نوشته شده است.

اعتبارات بصورت یکجا پرداخت می‌شد در نتیجه کوچکترین تغییر در برنامه‌ریزی بازپرداخت آنها را با مشکل مواجه می‌کرد.

۲- نظریه انتقال پذیری^۱

این نظریه به بانکها توصیه می‌کند که بخشی از منابع بانک را به خرید و نگهداری ابزارهای بازار پولی (اوراق بهادار) اختصاص دهند در این صورت بانک قادر خواهد با فروش آنها پاسخگوی مراجعات سپرده‌گذاران باشد، این نظریه اگرچه در تأمین اصل نقدینگی سریعتر از نظریه قبل عمل می‌کند لکن تا زمانی ارزش و اعتبار دارد که همه بانکها به طور همزمان اقدام به خرید یا فروش ابزارهای مذکور نکنند و الا نه تنها سود بانکها، بلکه اصل منابع بانک نیز به خطر می‌افتد، برای مثال اگر در یک مقطع زمانی به دلائلی کل بانکها نیاز به نقدینگی پیدا کنند و به طور همزمان تصمیم به فروش ابزارهای پولی بگیرند بازار پول با مازاد عرضه مواجه شده در نتیجه نرخ بهره به شدت افزایش و قیمت ابزارهای مورد نظر کاهش می‌یابد در نتیجه بانکها برای رسیدن به نقدینگی مجبور می‌شوند بخشی از سرمایه‌هایشان را از دست بدهند.

۳- نظریه پیش‌بینی درآمد^۲

این نظریه که پس از جنگ جهانی دوم گسترش یافت به وام‌های میان مدت اقساطی تمرکز دارد بر اساس این نظریه مدیران بانک‌ها با توجه به قدرت پرداخت متقاضیان، منابع بانک را بایستی آن‌چنان به وام‌های میان مدت اقساطی اختصاص دهند که بطور پیوسته یک جریان پول نقد به طرف بانک ایجاد شود. نتیجه این می‌شود که همیشه مقداری پول در صندوق بانک موجود است که می‌توان جواب مراجعه کنندگان (سپرده‌گذاران) را داد و یا تبدیل به وام جدیدی کرد. این روش در شرایط عادی و با ثبات اقتصادی می‌تواند اصول سه‌گانه را تأمین کند ولی در شرایط منحول خصوصاً در دوره‌های رونق و رکود که پیش‌بینی روشن و منظمی از وضعیت اقتصادی و رفتارهای سپرده‌گذاران و متقاضیان اعتبارات نیست نمی‌تواند موفق باشد.

۴- نظریه مدیریت بدهی‌ها

تا دهه ۱۹۵۰ که بانکها بیشتر به وام‌ها و اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت می‌پرداختند توجه اصلی به سپرده‌های دیداری بود از نیمه اول دهه ۱۹۶۰ به موازات تمایل بانکها و موسسات پولی غیر بانکی به سرمایه‌گذاریهای بلند مدت، توجه به سپرده‌های پس‌انداز و مدت دار به طور فزاینده بالا رفت و به دنبال آن نظریه مدیریت بدهیها مطرح شد. بر اساس این نظریه بانکها بهره پرداختی

به سپرده‌های دیداری را به صفر رساندند (در کشورهایی که به سپرده‌های دیداری بهره می‌دادند) و در مقابل متناسب با مدت زمان سپرده پس‌انداز و مدت‌دار، نرخ بهره سالانه متفاوتی دادند به این ترتیب که هرچه سررسید بلند مدت‌تر می‌شد نرخ بهره سالانه آن نیز بیشتر می‌شد، مطابق این نظریه مدیران بانک با تغییر دادن نرخ بهره سپرده‌های مختلف ترکیب سپرده‌ها را تغییر داده به مقصود خود در برنامه‌ریزی نائل می‌شدند برای مثال وقتی بانکی برای اعطای وام به پروژه‌های بلند مدت نیاز به منابع با ثبات داشت با کاهش نرخ بهره سپرده‌های کوتاه مدت و افزایش نرخ بهره سپرده‌های بلند مدت به این هدف نائل می‌شد و بر عکس وقتی با مازاد منابع مواجه می‌شد سیاست معکوس در پیش می‌گرفت.

اشکال اساسی این نظریه در آن است که اولاً اگر بخواهند موفق باشد بایستی همه بانکها همزمان عمل کنند و الاً با تغییرات نرخ‌های بهره یک بانک ممکن است به جای تغییر ترکیب سپرده‌های آن بانک، جابجایی منابع میان بانکها رخ دهد ثانیاً این نظریه در بلند مدت موجب افزایش هزینه بهره برای طرحهای سرمایه‌گذاری بلند مدت شده به ضرر کل اقتصاد تمام می‌شود. در عین حال امروزه در غالب کشورها به این نظریه و یا ترکیبی از این نظریه و نظریه‌های سابق عمل می‌شود.

۵- نظریه سپرده‌های انتقال پذیر

این نظریه از اوایل دهه ۱۹۷۰ در کشورهای انگلستان و امریکا مطرح شد، و به سرعت در کشورهای دیگر مورد عمل قرار گرفت، بر اساس این نظریه بانکها در مقابل وجوه سپرده‌گذاری شده گواهی می‌دهند که این گواهیها همانند اوراق قرضه قابل دادوستد می‌باشند، این نظریه با استقبال فوق‌العاده مشتریان و مدیران بانک مواجه شد به طوری که «راجر لروی میلر» می‌گوید:

«امروزه، مهم‌ترین سپرده مدت‌دار، گواهی‌نامه سپرده است مخصوصاً گواهی‌نامه سپرده‌ای که مقدارشان ۱۰۰/۰۰۰ دلار بالاتر باشد. گواهی‌نامه‌های سپرده داد و ستدپذیر، سررسید و نرخ بهره ثابت دارند و قابل پرداخت در وجه حامل‌اند و حتی احتیاج به پشت‌نویسی نیز ندارند، بازار ثانوی وسیعی برای گواهی‌نامه‌های سپرده در حال پیشرفت و شکوفایی است و دارنده آن هر زمان که بخواهد می‌تواند آن را با پول مبادله کند.»^۱

گواهی‌های سپرده با سررسیدهای مختلف یک تا پنج ساله با نرخ بهره معین از طرف بانکها منتشر می‌گردد این گواهی‌ها برای مدت زمانی به قیمت اسمی به مشتریان فروخته می‌شود بعد از آن مدت، خرید و فروش آنها در بازارهای ثانوی و به قیمتهای بازار که متأثر از نرخ بهره بازار است خواهد بود و در پایان سررسید بانکها علاوه بر ارزش اسمی، بهره آن را نیز به کسی که گواهی را به

بانک تحویل دهد می‌پردازند.

مزایای نظریه سپرده‌های انتقال‌پذیر

این نظریه آثار و پیامدهای مثبت به همراه داشت و همین امر سبب رشد آن شده است. در این قسمت به‌طور خلاصه به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱- در سپرده‌های مدت‌دار عادی اگر سپرده‌گذار قصد گرفتن وجود خود از بانک را داشته باشد بایستی به بانک اطلاع دهد و بانک بعد از مدتی با اعمال جریمه‌ای قرارداد را فسخ می‌کند^۱ (معمولاً جریمه به صورت کاستن از نرخ بهره است مثلاً اگر سپرده مدت‌دار پنج ساله دارد و سر سه سال به بانک مراجعه کند بهره سپرده یکساله به او می‌دهد) در حالی که در سپرده انتقال‌پذیر سپرده‌گذار هر موقع که احتیاج به پول نقد داشته باشد آن را در بازار ثانوی فروخته و وجه خود را به دست می‌آورد.

۲- این روش موجب می‌شود علاوه بر خانوارها، بنگاهها و مؤسسات اقتصادی نیز که برای مقاطع کوتاه زمانی با مازاد وجوه نقد مواجه می‌شوند بجای نگهداری پول نقد، گواهی سپرده خریداری کنند به این ترتیب سرعت گردش پول در جامعه افزایش یافته، سرمایه‌های راكد زیادی به جریان می‌افتد.

۳- در این روش سپرده‌گذاران موقع نیاز به پول نقد به جای بانک به بازار ثانوی مراجعه می‌کنند در نتیجه منابع بانک تا سررسید گواهی سپرده ثبات لازم را خواهند داشت که این موجب می‌شود اولاً نیاز چندانی به ذخیره قانونی چنین سپرده‌هایی نباشد در نتیجه چیزی حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از این سپرده‌ها که به صورت سپرده قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود آزاد شده و منابع بانکهای تجاری افزایش می‌یابد ثانیاً بانکها با اطمینان کافی به برنامه‌ریزی دقیق در تخصیص منابع پرداخته دنبال طرحهای مفید و سودمند خواهند بود.

۴- انتقال‌پذیری این سپرده‌ها و وجود بازار ثانوی برای خرید و فروش آنها، ماهیتی همانند اوراق قرضه به آنها می‌دهند در نتیجه بانک مرکزی می‌تواند به عنوان ابزاری در اجرای سیاستهای پولی استفاده کند.

وجود این مزایا سبب شده که اندیشمندان مسلمان نیز به فکر راه حلی برای راه‌اندازی چنین سپرده‌هایی در نظام مالی اسلامی بیفتند^۲، هدف این نوشتار این است که ابتدا امکان عملی کردن

۱- همان ص ۲۱۸

۲- سلسله مقالاتی پیرامون بانکداری اسلامی - ۳ بانکداری اسلامی زیر اقبال - ص ۱۴۷ مجموعه مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی دکتر عادل ص ۳۲، صد سنوال و صد جواب درباره بانکداری اسلامی احمد عبدالعزیز النجار ترجمه عباس خان محمد ص ۸۹

چنین ایده‌ای را در قانون بانکداری بدون ربا بررسی کند سپس با پیشنهادی راه‌حلی در این زمینه ارائه دهد بر این اساس لازم است نخست روشهای تجهیز منابع در قانون عملیات بانکداری بدون ربا را بشناسیم.

تجهیز منابع پولی در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی

فصل دوم قانون عملیات بانکداری بدون ربا مواد ۳ تا ۶ به مسئله تجهیز منابع پولی می‌پردازد، بعد از نقل آنها با استفاده از آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی توضیح مختصری در مورد انواع سپرده‌های بانکی می‌دهیم.

ماده ۳- بانکها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند:

الف - سپرده‌های قرض‌الحسنه:

۱- جاری

۲- پس انداز

ب - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

تبصره. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در بکار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده ۴ - بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند.

ماده ۵ - منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده ۳ این قانون بر اساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد.

ماده ۶ - بانکها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روشهای تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند:

الف - اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی. رای سپرده‌های قرض‌الحسنه

ب - تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق‌الوکاله

پ - دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور

در فصل سوم.

با توجه به قانون بانکداری و آئین‌نامه‌های اجرایی، در یک تقسیم‌بندی کلی انواع سپرده‌ها به سه گروه زیر تقسیم می‌شود:

۱- سپرده قرض‌الحسنه جاری (دیداری)

این حساب از جهت ماهیت حقوقی و کیفیت عمل همانند سپرده دیداری در بانکهای سنتی است، اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب جاری وجوه مازاد بر نیاز خود را به بانک سپرده دسته چک دریافت می‌کنند تا در وقت مناسب با استفاده از خدمات حساب جاری در مبادلات پولی خود استفاده کنند و از آنجایی که انگیزه سپرده‌گذاران این حساب حفظ و نگهداری وجوه و تسهیل در مبادلات پولی از طریق خدمات بانکی است بکارگیری واژه «قرض‌الحسنه» صحیح نمی‌باشد بنظر می‌رسد اطلاق این واژه بر این حسابها ناشی از این پندار است که هر قرض بدون بهره‌ای قرض‌الحسنه است در حالیکه این اشتباه است مطابق مضمون آیات و روایات قرض‌الحسنه جایی است که قرض دهنده برای کسب اجر معنوی به فرد نیازمندی کمک کرده و به او قرض بدون بهره می‌دهد بنابراین اگر قرض دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، نقل و انتقال وجوه و... مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد اگرچه قرض بدون بهره هست و از نظر اسلام مجاز و مشروع می‌باشد لکن بر آن عنوان «قرض‌الحسنه» صدق نمی‌کند و چنانچه گذشت غالب سپرده‌گذاران حساب جاری با چنین اغراضی سپرده‌گذاری می‌کنند.

۲- سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب پس‌انداز از سپرده‌های رایج نظامهای بانکی است ویژگی آن این است که اشخاص حقیقی و گاهی حقوقی وجوه مازاد بر هزینه‌های جاری خود را برای مدت نامعین به چنین حسابی واریز کرده در برابر آن دفترچه دریافت می‌کنند تا به هنگام نیاز با برنامه ریزی وجوه مذکور را دریافت کنند ماهیت چنین سپرده‌ای قرض است و در بانکهای سنتی عموماً به آنها بهره می‌پردازند، در بانکداری بدون ربا پرداخت بهره ممنوع است لکن برای ترغیب سپرده‌گذاران جوایزی در نظر می‌گیرند، این جوایز که بدون تعهد و قرارداد قبلی پرداخت می‌شود به صورت غیرثابت (نقدی و جنسی) است و از طریق قرعه بین صاحبان حساب توزیع می‌شود، از آنجا که معمولاً صاحبان این نوع سپرده‌ها علاوه بر حفظ و نگهداری وجوه قصد کمک به بانک در اعطای قرض‌الحسنه و شرکت در ثواب معنوی آن عمل مقدس دارند اطلاق سپرده قرض‌الحسنه به این حسابها بجا و شایسته است.

۳- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

عده زیادی از افراد هر جامعه دارای سرمایه‌های نقدی هستند که به علل مختلف علاقه یا توان

بکارگیری آنها را ندارند به این جهت سراغ مؤسساتی می‌روند که بتواند علاوه بر حفظ سرمایه، سودی در اختیار آنها قرار دهد بانکهای سنتی در قالب سپرده‌های ثابت وجوه مذکور را جذب کرده علاوه بر تعهد باز پرداخت اصل آنها، متناسب با مدت زمان سپرده‌گذاری به صاحبانشان بهره می‌پردازند از آنجایی که ماهیت حقوقی این نوع سپرده‌ها قرض با بهره و از مصادیق روشن ربا بود در قانون بانکداری بدون ربا تغییر بنیادی یافت، چنانچه در مواد سه تا شش قانون بانکداری بدون ربا آمده، بانکها وجوه سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را در قالب حقوقی عقد «وکالت» از صاحبان آنها تحویل گرفته و به عنوان وکیل سپرده‌گذاران در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله بکار می‌گیرند. بانکها می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبلغ سپرده با رعایت سهم منابع بانک پس از کسر هزینه‌ها و حق الوکاله بین صاحبان سپرده تقسیم می‌کنند.

در این حسابها اگرچه میزان سود از ابتدا معلوم نیست لکن به سبب وسعت عمل و تنوع معاملات اطمینان هست که سود منابع عاید این وجوه خواهد شد، بطوریکه بانک می‌تواند قبل از حسابرسی کامل به آنها سود علی‌الحساب بپردازد.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به دو صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد، سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت به صورت دفترچه نگهداری می‌شود و با حداقل ده هزار ریال که برای بار اول حداقل سه ماه نزد بانک باقی بماند افتتاح می‌گردد، صاحب حساب با ارائه دفترچه هر موقع می‌تواند با رعایت سه ماه اول و نیز با در نظر گرفتن اینکه سود به نسبت کمترین مانده در هر ماه تعلق خواهد گرفت از وجوه خود برداشت و یا مجدداً وجوهی را به حساب خود اضافه نماید. تمدید مدت اینگونه سپرده‌ها بعد از سه ماه اول یک ماه به یک ماه و خودبخود طبق قرارداد اولیه خواهد بود و نیازی به مراجعه مجدد برای تمدید نمی‌باشد.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت به صورت برگه سپرده از طرف بانکها با حداقل مبلغ پنجاه هزار ریال و از جهت مدت یک ساله، دوساله، سه ساله و پنج ساله پذیرفته می‌شود که پس از سررسید تمدید سپرده مدتهای بیشتر با تابعی از ضریب سه ماه میسر خواهد بود.^۱

مطابق گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سود پرداختی برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، بلند مدت یک ساله، دوساله، سه ساله و پنج ساله در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۸/۵ درصد بوده است که به نوعی بیانگر اعمال نظریه «مدیریت بدهیها» است.

چنانچه پیداست اساس سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را «نظریه وکالت» تشکیل می‌دهد. اعتقاد ما بر این است که این نظریه برای معاملات بانکی تناسبی ندارد در نتیجه مواجهه با

نارسائیهای اساسی است. در این قسمت عدم تناسب و نارسائیهای این نظریه بیان می شود.

جدول نرخ سود سپرده های سرمایه گذاری مدت دار

طی سالهای ۷۵-۱۳۶۳

مانده سپرده های سرمایه گذاری مدت دار (کوتاه مدت و بلند مدت) و نرخ سود پرداختی

به سپرده های مذکور طی سالهای ۷۵-۱۳۶۳

ارقام: میلیارد ریال

نرخ سود: درصد

سال	مانده سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت	نرخ سود پرداختی به سپرده های کوتاه مدت	مانده سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت	نرخ سود پرداختی به سپرده های بلند مدت
۱۳۶۳	۹۱۴/۲	۶	۶۲۷/۲	۸/۷۵
۱۳۶۴	۱۸۶۳/۴	۶	۱۰۴۱/۳	۸
۱۳۶۵	۲۴۷۷	۶	۱۲۳۵/۷	۸
۱۳۶۶	۳۰۸۸/۸	۶	۱۴۵۸/۴	۸/۵
۱۳۶۷	۴۲۶۰/۷	۶	۲۱۳۲/۷	۸/۵
۱۳۶۸	۵۲۴۵/۲	۶	۲۷۶۱/۶	۸/۵
۱۳۶۹	۵۹۴۵/۱	۶/۵	۳۷۴۱/۶	۹-۱۳
۱۳۷۰	۶۸۰۹/۹	۶/۵	۴۹۲۷/۷	۹-۱۴
۱۳۷۱	۸۱۱۵/۸	۷/۵	۶۵۳۰/۹	۱۰-۱۵
۱۳۷۲	۱۰۳۴	۸	۸۷۴۸/۸	۱۱/۵-۱۶
۱۳۷۳	۱۲۰۸۴	۸	۱۰۴۳۳	۱۱/۵-۱۶
۱۳۷۴	۱۵۰۳۳/۰	۸	۱۳۳۸۴	۱۴-۱۸/۵
۱۳۷۵	۱۹۲۳۸/۲	۸	۱۶۶۳۴	۱۴-۱۸/۵

عدم تناسب نظریه وکالت با معاملات بانکی

از زمانی که سرمایه به عنوان عامل تولید در فعالیتهای اقتصادی نقش پیدا کرد و بازار سرمایه شکل گرفت کارفرمایان اقتصادی که نیاز به سرمایه نقدی پیدا می کردند بطور معمول از دو طریق اقدام می کردند.

۱- قرض ربوی، در این روش کارفرما با گرفتن قرض تعهد می کرد علاوه بر اصل آن در سررسید معین زیادهای به عنوان ربا (بهره) بپردازد.

۲- مشارکت، در این روش کارفرما با گرفتن سرمایه مورد نیاز، صاحب آن را به نسبت سرمایه در مالکیت فعالیت مذکور و به تبع آن در سود فعالیت سهیم می‌کند.

این دو روش در طول تاریخ به موازات هم رشد کرده انواع و اشکال گوناگون و پیچیده‌ای پیدا کرده‌اند شیوه‌های مختلف وام و اعتبارات بانکی انواع مختلف اوراق قرضه ریشه در راه اول دارند کما اینکه گونه‌های متعدّد شرکتهای سهامی، اوراق سهام و اوراق مشارکت، شرکتهای تعاونی از مصادیق راه دوم هستند. بدیهی است راه اول همان رباست که در دین اسلام بشدت از آن نهی گردیده و نمی‌تواند ملاک عمل بانکها قرار گیرد و لکن راه دوم نه تنها از نظر اسلام ممنوع نیست بلکه مورد ترغیب و تشویق نیز می‌باشد، بجا بود (چنانچه در بخش پیشنهادی توضیح خواهیم داد) نظریه پردازان بانکداری بدون ربا در تنظیم ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری که در حقیقت نوعی تشکیل بازار سرمایه هست سراغ راه دوم «نظریه مشارکت» می‌رفتند تا ضمن استفاده از پیشرفتهای ابزاری و راهکاری که در کلّ دنیا رخ داده و می‌دهد از نارسائیهای نظریه وکالت نیز در امان باشند، لکن طراحان بانکداری بدون ربا سراغ راه سوم به نام «نظریه وکالت» رفتند^۱، عقد وکالت اگر چه در بازار کالا و خدمات عقد معروف و مرسوم است لکن در امر سرمایه گذاری ناشناخته و نامناسب است در نتیجه مشکلات و نواقصی بدنبال دارد.

نارسائیهای نظریه وکالت در معاملات بانکی

۱- نامفهوم بودن وکالت بانک برای مشتریان

نامأنوس بودن عقد وکالت در امر سرمایه‌گذاری، متنوع بودن منابع بانک از جهت ماهیت حقوقی و غیرقابل تفکیک بودن وجوه هر یک از سپرده‌ها، مشخص نبودن شیوه بکارگیری وجوه هر سپرده‌گذار و عوامل دیگر موجب می‌شود که مسئله وکالت در معاملات بانکی از یک پیچیدگی خاص برخوردار شود بطوریکه گاهی نه تنها مشتری بلکه کارگزاران بانک نیز از تحلیل حقوقی آن عاجزند برای مثال در فرم سپرده‌گذاری بانکها آمده است:

۱- به احتمال زیاد نظریه پردازان بانکداری بدون ربا این فکر را از نوشته‌های شهید آیت‌الله صدر گرفته‌اند لکن دقت در آن نوشته نشان می‌دهد که ایشان آن روش را با هدف دیگری مطرح کرده بودند ایشان به عنوان راهی برای توجیه بهره دریافتی بانکها می‌گویند: «بانک می‌تواند خویش را وکیل صاحبان سپرده در قرض دادن بدانند، پس وقتی از سپرده‌های موجود نزد خود قرض می‌دهد، مالکیت صاحبان سپرده‌ها محفوظ می‌ماند و بانک به اعتبار صاحب اختیار بودن در قرض دادن آنها، به این عمل اقدام می‌کند، بنابراین طلبکار و قرض دهنده در واقع صاحب سپرده است نه بانک، بانک فقط وکیل قرض دهنده است تا به نحوی که شایسته می‌بیند پول را قرض دهد، در این حالت بانک می‌تواند ضمن عقد قرض به قرض کننده شرط کند که موقع بازپرداخت پول، اضافه‌ای بپردازد، اما نه به قرض دهنده بلکه به خود بانک این اضافه را نیست زیرا با اضافه‌ای است که قرض دهنده بر قرض کننده شرط می‌کند که موقع بازپرداخت پول به وی بدهد.»

بانک اسلامی آیت‌الله صدر ترجمه خنجی ص ۱۲۲

«بانک..... به وکالت از طرف سپرده‌گذار با داشتن حق توکیل، وجه این سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا بطور مشاع بکار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آئین‌نامه و مقررات مربوط با داشتن حق مصالحه منافع بانک و سپرده‌گذاران به تناسب مبلغ و مدت بکار گرفته شده تأدید خواهد نمود»^۱

روشن است که فهم همین بند علاوه بر آشنائی واژه‌های حقوقی «حق توکیل»، «مشاع»، «حق الوکاله»، «حق مصالحه» نیاز به آشنائی قانون عملیات بانکداری بدون ربا و آئین‌نامه‌ها و مقررات مربوطه دارد و اینجاست که سپرده‌گذار بدون توجه به متن و مفاد قرارداد آن را امضا کرده و جوه خود را در اختیار بانک قرار می‌دهد، و این در حالی است که به اعتراف خود نظریه پردازان بانکداری بدون ربا در بانکداری اسلامی مشتری بانک بایستی علم به معامله داشته و آن را قصد کند.^۲

۲- عدم قابلیت برای معاملات بین‌المللی و جذب سپرده‌های خارجی

امروزه بانکها ابزار برای جذب سرمایه‌های مالی خارجی به حساب می‌آیند بانکها با گسترش شعبات خود در کشورهای مختلف و یا از طریق دریافت حواله‌های خارجی اقدام به گشایش حساب و جذب وجوه مازاد سپرده‌گذاران خارجی می‌کنند رابطه حقوقی «وکالت» در جذب سپرده‌های مدت‌دار بر فرض هم برای سپرده‌گذاران داخلی از طریق تبلیغ و آموزش قابل فهم باشد نامأنوس بودنش برای مشتریان خارجی مانع مهمی در جذب سپرده‌ها و گسترش معاملات بین‌المللی بانکداری بدون ربا خواهد بود. و در راستای همین مشکل است که رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید:

«در هنگام تدوین قانون و تدوین آئین‌نامه‌ها... توجه بدین امر مبذول نگردید که عملیات بانکی بین‌المللی در چارچوب بانکداری اسلامی چگونه و به چه شکل خواهد بود بخصوص در شرایط کنونی که ما در وضعیتی هستیم که بیش از سالهای گذشته در تماس با دنیای خارج هستیم و این تماس جنبه مادی و پولی دارد»^۳

روشن است که این حرف عمدتاً در امر سپرده‌های سرمایه‌گذاری است و آلا در معاملات حسابهای جاری و حوالجات و ضمانات تغییر و تحویل عمده‌ای صورت نگرفته است.

۱- مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۰۹

۲- برای مثال آیت‌الله رضوانی یکی از فقهای شورای نگهبان که از طراحان نظام بانکداری بدون ربا به حساب می‌آید می‌گوید: «در مقوله بانکداری اسلامی، اگر مشتری خبر نداشته باشد علم نداشته باشد و قصد انجام معامله تحقق نپذیرد اساساً مالک پول در معامله مورد نظر نخواهد شد و هرگونه تصرف او تصرف در مال غیر خواهد بود.» مجموعه مقالات و سخنرانیهای پنجمین سمینار بانکداری بدون ربا ص ۲۴

۳- مجموعه سخنرانیها و مقالات دومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۳

۳- فاصله گرفتن از پیشرفتهای ابزاری بازارهای پول و سرمایه

در دهه‌های اخیر به طور مستمر پیشرفتهای مهم در جهت کارا کردن ابزارها و راه‌های بازارهای پول و سرمایه رخ داده و همچنان ادامه دارد، نظریه پردازان پولی، مقامات اجرایی نظامهای بانکی با حرص و ولع تمام آخرین تحولات را بررسی کرده با انتخاب الگوهای مناسب و مشابه سازی آنها به سرعت در مؤسسات پولی و بانکی خود به کار می‌گیرند کنار گذاردن نظریه‌های مرسوم (قرض، مشارکت) و اتخاذ نظریه‌ای جدید (نظریه وکالت)، اقتصاد دانان پول و بانکداری و مقامات پولی را از دستیابی به روشها، ابزارها و راههای جدید که همه روزه در دنیا عرضه می‌شود باز می‌دارد.

۴- عدم قابلیت برای سیاستهای حمایتی

بانکهای سنتی با تضمین اصل سپرده‌ها و اعطای بهره معین، اطمینان کافی برای سپرده‌گذاران به وجود می‌آورند و از طرف دیگر با اعمال نظریه «مدیریت بدهیها» و با تنظیم روال خاصی برای نرخهای بهره سپرده‌های مختلف بانکی ترکیب مورد نظر خود را به دست می‌آورند و با تغییر شرایط به تغییر نرخها و به دست آوردن ترکیب جدید سپرده‌ها اقدام می‌کنند در بانکداری بدون ربای ایران نیز اگرچه در ماده چهار آمده است «بانکها می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند» و بانکها نیز این امکان (می‌توانند) را عملی کرده‌اند به طوری که در مقررات سپرده‌های سرمایه‌گذاری تصریح شده «بانک استرداد اصل این سپرده را تعهد می‌نماید»^۱ و از طرفی چنانچه در جدول سود سپرده‌ها گذشت نظام بانکی ایران نیز با روال خاص و هدفمندی سود را تنظیم کرده و می‌پردازد لکن بر اساس نظریه وکالت هیچ یک از این دو کار توجیه فقهی و حقوقی ندارد.

تضمین اصل سپرده‌ها

اگر سمت بانک نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری حقیقتاً وکالت باشد بر پایه اصول مسلم فقهی و حقوقی بانک امین سپرده‌گذاران خواهد بود بنابراین در صورتیکه تقصیری در عملیات بانکی نکرده باشد ولو دچار زیان یا ورشکستگی شده سپرده‌ها را از دست دهد هیچ مسئولیتی در برابر سپرده‌گذاران نخواهد داشت.^۲

و اما مسئله بیمه کردن سپرده‌ها اگرچه در برخی کشورها مطرح است و با عقد وکالت منافاتی ندارد یعنی وکیل می‌تواند با پرداخت هزینه‌ای (حق بیمه) از ناحیه خود یا موکلش اموال وی را

۱- مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۱۲

۲- تحریر الوسیله کتاب الوکاله مسئله ۳۶

بیمه کند لکن با توجه به نگهداری درصدی از سپرده‌ها به عنوان ذخیره قانونی و تعهد بانک مرکزی بر حمایت از بانکها در مواقع بحران، بیمه کردن سپرده‌ها امری با هزینه و زائد است.

تنظیم نرخهای سود

چنانچه در جدول نرخهای سود گذشت نظام بانکی ایران از سال ۱۳۶۳ تا به امروز با یک روال مشخص و هدفداری ابتدای سال نرخهای سود انتظاری را اعلان کرده و در پایان دوره با مختصر تغییراتی (آنهم بعضی از سالها) همان نرخها را به عنوان سودهای تحقق یافته می‌پردازد برای مثال طی سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به ترتیب برای حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت ۸ درصد، بلند مدت یک ساله ۱۴ درصد، دو ساله ۱۵ درصد، سه ساله ۱۶ درصد، و پنج ساله ۱۸/۵ درصد سود پرداخته است روشن است که براساس نظریه وکالت اگر بانکها واقعاً به عنوان وکیل سپرده‌گذاران عمل کرده و بعد از کسر حق‌الوکاله واقعی و کسر مابقی هزینه‌های بانک سود باقی مانده را بین صاحبان سپرده تقسیم کنند نمی‌تواند چنین فاصله معناداری بین سود سپرده‌ها رخ دهد چرا که بین حق‌الوکاله سپرده کوتاه مدت و بلند مدت نمی‌شود این اندازه فرق گذاشت. کمالینکه بین حق‌الوکاله‌های انواع سپرده‌های بلند مدت نمی‌توان اینچنین تفاوتی قائل شد. و اگر به اسم حق‌الوکاله، هدف دیگری تعقیب شود اصل نظریه مخدوش شده جواز فقهی آن شبهه‌دار می‌گردد.

۵- عدم قابلیت برای ایجاد بازار ثانوی سپرده‌ها

چنانچه بیان کردیم یکی از مسائل جدی در تخصیص منابع بانک، مراعات اصول سه گانه منفعت، امنیت و نقدینگی است، چون از یک طرف صاحبان سپرده حتی سپرده‌های مدت دار ممکن است به علل مختلف به بانک مراجعه کرده وجوه خود را مطالبه کنند و ناتوانی بانک در جوابگویی به این مراجعات ایجاد نااطمینانی برای مشتریان بانک نموده خسارت غیر قابل جبرانی در پی دارد از طرف دیگر اصل منفعت اقتضا می‌کند مدیر بانک تا جایی که امکان دارد منابع بانک را در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری نماید و این نیاز به ثبات منابع دارد برای مراعات همزمان اصول فوق نظریه‌های مختلف ارائه شد که هر کدام نواقصی داشتند جدیدترین نظریه که از دهه ۱۹۷۰ ابداع و به سرعت رو به گسترش است استفاده از سپرده‌های انتقال پذیر و تشکیل بازار ثانوی برای سپرده‌هاست که آثار مثبت زیادی به دنبال دارد، لکن در قانون بانکداری بدون ربا به جهت حاکمیت رابطه حقوقی «وکالت»، این نظریه ممکن نیست چون بر اساس نظریه وکالت تنها راه دسترسی صاحبان سپرده به پول نقد این است که به بانک مراجعه کرده با فسخ کل یا بخشی از قرارداد وجوه لازم را دریافت کنند و در این صورت اولاً مشتری بایستی به سود سپرده کوتاه مدت

یا بلند مدت یک ساله اکتفا کند و این جریمه سنگین در حق اوست ثانیاً با کاهش ثبات منابع بانکی کارایی بانکها در تخصیص بهینه منابع از بین می‌رود.

۶- عدم قابلیت برای سیاست پولی

یکی از نقشهای مهم و اساسی نظام بانکی که در قانون بانکداری بدون ربا نیز آمده است «تنظیم و کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار در اقتصاد»^۱ است بانکهای مرکزی با استفاده از ابزارهای سیاست پولی به این امر مهم می‌پردازند و کاراترین ابزار عملیات بازار باز یا خرید و فروش اوراق قرضه است که به سرعت بر حجم پول و نرخ بهره اثر گذاشته متغیرهای اساسی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با لغاء نظام بهره از روابط پولی و بانکی، اوراق قرضه که از مصادیق روشن قرض با بهره و ریاست نمی‌تواند جایگاهی در نظام بانکی داشته و مورد استفاده بانک مرکزی قرار گیرد در این شرایط اگر می‌شد برای سپرده‌های مدت دار بازار ثانوی تشکیل داد بانک مرکزی می‌توانست با وارد شدن در آن بازار اقدام به خرید و فروش گواهیهای سپرده کرده حجم پول و نرخ سود را کنترل و تنظیم کند لکن گذشت که به جهت حاکمیت رابطه حقوقی «وکالت» این امر از نظر فقهی و حقوقی پذیرفته نیست.

الگوی جدید

اگر چه هدف اصلی این مقاله ارائه راه حلی برای تشکیل بازار ثانوی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت است لکن برای رسیدن به این مقصود و ارائه الگوی منسجم و هماهنگ لازم است کل بخش تجهیز منابع پولی بانک مورد توجه قرار گیرد.

انگیزه‌های سپرده‌گذاری

در یک جامعه اسلامی انگیزه‌های زیر می‌تواند برای صاحبان سپرده مطرح باشد:

- ۱- حفظ و نگهداری وجوه مازاد
- ۲- تسهیل در مبادلات پولی از طریق خدمات بانکی
- ۳- پس انداز وجوه برای مصارف آتی و هزینه‌های احتمالی
- ۴- مشارکت در ثواب معنوی اعطای قرض الحسنه
- ۵- کمک به عمران و آبادانی کشور
- ۶- کسب سود و درآمد

شایان ذکر است که خیلی از این امور منافاتی با هم نداشته و قابل جمع‌اند بنابراین یک فرد

ممکن است با اعطای وجوه مازاد خود به بانک اهداف متعددی داشته باشد. هر چند برخی از آنها مانند انگیزه چهارم و ششم قابل جمع نمی‌باشد.

الگوی مطلوب بانکداری بدون ربا

اگر بخواهیم در چارچوب عملیات بانکداری بدون ربا انگیزه‌های فوق را تحقق بخشیده و از نارسائیهای نظریه وکالت مصون بمانیم به نظر می‌رسد بهترین راه حل پیروی از «نظریه مشارکت» است، نظریه‌ای که در طول تاریخ در بازار سرمایه مورد توجه و عمل بوده و امروزه نیز در سراسر دنیا مورد عمل است کما اینکه از نظر اسلام نیز نه تنها منعی نشده بلکه مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و در صدر اسلام نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از این طریق استفاده کرده‌اند.^۱ در این الگو بانک همانند یک بنگاه اقتصادی است که با استفاده از سرمایه‌های خود (منابع) انواعی از فعالیتهای اقتصادی انجام داده درآمدی بدست می‌آورد، اگر ما فعالیتهای مجاز در بانکداری بدون ربا در بخش اعطای تسهیلات و ارائه خدمات بانکی را بهترین فرض تلقی کنیم در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این فعالیتهای را به چهار گروه تقسیم کرد:

- ۱- فعالیتهای خیرخواهانه مثل اعطای قرض الحسنه
 - ۲- فعالیتهای بدون سود و کارمزد مثل ارائه خدمات حساب جاری
 - ۳- فعالیتهای با کارمزد بانکی مثل ارائه خدماتی از قبیل ضمانات، وصول و پرداخت حوالجات بانکی و...
 - ۴- فعالیتهای سودآور مثل مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، معاملات سلف، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و...
- بر این اساس بهترین رابطه حقوقی که می‌توان بر اساس آن سپرده‌های بانکی را تنظیم کرد عقد قرض و عقد شرکت است.

مدل ساده بانکداری مطلوب

در یک مدل خیلی ساده اگر فرض کنیم فردی به نام A با استفاده از ۱۰۰ واحد پولی اقدام به تأسیس بانکی می‌کند و فردی به نام B اقدام به افتتاح حساب جاری کرده و پیوسته پول به حساب گذاشته و چک حواله می‌کند و به‌طور معمول بعد از کسر ذخائر قانونی و احتیاطی ۵۰ واحد پولی به صورت آزاد در حساب باقی می‌ماند و فردی به نام C به انگیزه پس‌انداز و مشارکت در

۱- در تاریخ می‌خوانیم پیامبر اکرم (ص) بر اساس عقد مضاربه (که یکی از مصادیق نظریه مشارکت است) با اموال حضرت خدیجه به تجارت می‌پرداخت و یا می‌خوانیم امام صادق (ع) اموال خود را از طریق مضاربه به تاجری می‌سپرد تا تجارت کرده سودی به دست آورد. وسائل الشیعه جلد ۱۲ ص ۲۶ حدیث ۱ و ۲

اعطای قرض الحسنه اقدام به افتتاح سپرده پس انداز کرده پیوسته وجوه خود را به بانک سپرده و برداشت می کند و به طور معمول بعد از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی ۵۰ واحد پولی به صورت آزاد در حساب باقی می ماند و فردی به نام D به انگیزه کسب درآمد ۱۰۰ واحد پولی به عنوان سپرده سرمایه گذاری بلندمدت در قالب عقد شرکت به بانک مذکور می سپارد. حال در یک تحلیل حقوقی این بانک یک بنگاه اقتصادی است که با مشارکت فرد A و D هر کدام با سرمایه گذاری ۱۰۰ واحد پولی به وجود آمده و توانسته در مجموع ۱۰۰ واحد پولی (وجوه آزاد) هم از طریق سپرده جاری و پس انداز از فرد B و C قرض بدون بهره بگیرد اگر فرض کنیم نرخ ذخیره قانونی سرمایه اولیه و سپرده سرمایه گذاری بلندمدت ده درصد باشد بانک به اندازه ۲۸۰ واحد پولی وجوه آزاد خواهد داشت اگر از این مبلغ ۳۰ واحد برابر فعالیتهای خیرخواهانه اختصاص دهد (اعطای قرض الحسنه)، می تواند ۲۵۰ واحد باقی مانده را در فعالیتهای سودآور بانکی (اعطای تسهیلات براساس عقود اسلامی) به کار گرفته سود به دست آورد.

اگر فرض کنیم متوسط سود بانکی ۲۰ درصد باشد در آخر سال مالی بانک مذکور ۵۰ واحد سود خواهد برد و اگر هزینه های پرسنلی (حقوق و دستمزد کارکنان) و هزینه های تأسیساتی (اجاره ساختمان و ابزارها) را به میزان ۱۰ واحد در نظر بگیریم سود خالص به میزان ۴۰ واحد پولی بین فرد A و D تقسیم می شود. نتیجه اینکه در این الگو رابطه حقوق بین فرد A و D عقد شرکت است و آنان در حقیقت صاحبان بانک محسوب می شوند و رابطه بانک با آنان رابطه شرکت سهامی با سهامداران خواهد بود کما اینکه رابطه حقوقی بانک با فرد B و C (صاحبان سپرده جاری و پس انداز) رابطه قرض گیرنده و قرض دهنده است.

آثار فقهی و حقوقی این مدل

ممکن است تا اینجای کار فرق چندانی بین مدل پیشنهادی با مدل مورد عمل در بانکداری بدون ربا احساس نشود لکن با توجه به نکات زیر اهمیت کار روشن می شود. از آنجایی که رابطه حقوقی در مدل پیشنهادی عقد شرکت است موارد زیر از نظر فقهی و حقوقی مجاز و قابل اجرا است.

- ۱- فرد A (مؤسس بانک) می تواند کلیه ضررهای احتمالی را به عهده گرفته اصل سرمایه شریک خود یعنی فرد D را تضمین کند.^۱
- ۲- فرد A و D می توانند سود حاصله را با ضریب مساوی یا غیرمساوی تقسیم کنند یعنی در عین حال که سرمایه آنان مساوی یا غیرمساوی باشد می توانند در تقسیم سود براساس

۱- رساله عملیه امام خمینی احکام شرکت مسئله ۲۱۴۷... اگر قرار بگذارند تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از شرکا بدهد شرکت و قرارداد هر دو صحیح است.

ضریبهای دیگر توافق کنند برای مثال در مدل بالا می‌توان رابطه ۱ به ۲ یا ۱ به ۱/۵ یا ۱ به ۱/۱۰ بین فرد A و D یا بالعکس اعمال کرد.^۱

۳- با توجه به مدل ارائه شده وقتی بانک منابع خود را به کار گرفت و براساس عقود اسلامی چون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، معاملات سلف، فروش اقساطی و... اقدام به اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری مستقیم کرد بخشی از منابع تبدیل به اموال و داراییهای حقیقی شده بخشی دیگر به صورت سرمایه در گردش بانک درمی‌آید نتیجه اینکه بانک همانند یک شرکت سهامی حقیقی مالک انواعی از دارائیهای فیزیکی و نقدی است و سهامداران آن متناسب با سرمایه‌ای که آورده‌اند مالک آن داراییها هستند بنابراین هر سهامداری حق دارد تمام یا بخشی از سهم خود را به شریک دیگر یا به شخص ثالثی به هر قیمتی که توافق کردند بفروشد. در نتیجه در مدل مذکور فرد D که با آوردن ۱۰۰ واحد پولی در بانک شریک شده بود می‌تواند تمام یا بخشی از سهم خود را به قیمتی بیشتر یا کمتر از ارزش اسمی به فرد A یا هر کس دیگر بفروشد.

گامی به سوی واقعی‌تر کردن مدل

حال اگر فرد A را دولت^۲ و فرد B را حاکی از ده‌ها هزار مشتری که اقدام به افتتاح حساب دیداری و فرد C را حاکی از ده‌ها هزار سپرده‌گذار پس‌انداز و فرد D را بیانگر ده‌ها هزار سپرده‌گذار بلندمدت بدانیم و از طرف دیگر هر واحد پولی را معادل ده میلیارد ریال فرض کنیم بانک یک شرکت سهامی بزرگی خواهد بود که یک سهامدار بزرگ به نام دولت و ده‌ها هزار سهامدار کوچک (سپرده‌گذاران بلندمدت) که براساس عقد شرکت فعالیتهای اقتصادی را سامان داده‌اند و در عین حال برای تقویت منابع خود اقدام به افتتاح حسابهای دیداری و پس‌انداز کرده از صاحبان آن حسابها وجوهی را به عنوان قرض بدون بهره دریافت می‌کنند سپس منابع تجهیز شده را از طریق اعطای قرض الحسنه، سرمایه‌گذاری مستقیم و اعطای تسهیلات سودآور به کار می‌گیرند. لکن هنوز دو قدم دیگر برای واقعی‌تر شدن باقی است، قدم اول اتخاذ روشهای انگیزشی برای تشویق صاحبان حسابهای دیداری و پس‌انداز است که برای این منظور می‌توان از روش مرسوم انجام رایگان خدمات حسابهای جاری و اعطای جوایز برای صاحبان پس‌انداز استفاده کرد.

۱- رساله عملیه احکام شرکت مسئله ۱۲۱۴۶ اگر در عقد شرکت شرط کنند کسی که کار می‌کند یا بیشتر از شریک دیگر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد یا شرط کنند کسی که کار نمی‌کند یا کمتر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد باید به شرطی که کرده‌اند عمل نمایند.

۲- این فرض با توجه به بانکداری ایران که دولتی است مطرح شده است والا می‌توان A را حاکی از مؤسین اولیه بانک در نظر گرفت.

و روشن است هزینه این اقدامات همانند هزینه‌های دیگر بانک از محل درآمد بانک تأمین می‌شود.

قدم دوم وارد کردن اشخاصی است که به قصد کسب سود در بانکها سپرده‌گذاری می‌کنند لکن تصمیم ندارند همانند سپرده‌گذاران بلندمدت تا آخر حتی یک دوره مالی وجوه خود را در بانک نگهداری کنند. برای این منظور حساب سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت مناسب است. در این حساب صاحبان سپرده با اعطا وجوه خود به بانک همانند سپرده‌گذاران بلندمدت در بانک سهیم می‌شوند و تا روزی که وجوه خود برنداشته‌اند شریک آنان هستند لکن به جهت عدم ثبات سرمایه آنها از درجه اهمیت پایین‌تری و در نتیجه از ضریب سوددهی پایین‌تری برخوردار خواهد بود.

در نتیجه در الگوی مطلوب نیز همانند بانکهای مرسوم دنیا انواعی از حسابهای بانکی خواهیم داشت.

انواع سپرده‌های بانکی

۱- سپرده دیداری

این حساب از جهت ماهیت و عمل همانند حسابهای دیداری در تمام نظامهای بانکی خواهد بود افراد با افتتاح حساب وجوه مازاد خود را به بانک قرض داده در مقابل با استفاده از چک از خدمات رایگان حسابهای جاری استفاده می‌کنند. بانک نیز بعد از کنار گذاردن ذخایر قانونی و احتیاطی چنین حسابهایی از وجوه آزاد آن در اعطای تسهیلات استفاده می‌کند.

۲- سپرده پس‌انداز

صاحبان این سپرده وجود مازاد بر نیاز خود را به بانک قرض داده دفترچه می‌گیرند تا به هنگام نیاز با مراجعه به بانک پس‌انداز خود را دریافت کنند این گروه علاوه بر حفظ و نگهداری پول و مشارکت در ثواب قرض الحسنه اعطایی بانکها از جوايز این حسابها که بانکها به صورت قرعه‌کشی می‌پردازند استفاده می‌کنند.

۳- سپرده سرمایه‌گذاری

این سپرده‌ها به دو شکل کوتاه مدت و بلندمدت خواهد بود.

الف- سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت

در این نوع حسابها، سپرده‌گذاران به عنوان مشارکت سرمایه نقدی خود را به بانک داده

دفترچه دریافت می‌کنند و تا زمانی که سرمایه خود را از بانک نگرفته‌اند متناسب با آن در سرمایه و سود بانک سهام خواهند بود و باید مقرراتی اتخاذ کرد که این حساب از ثبات نسبی (مثلاً حداقل به میزان سه ماه) برخوردار بوده و تبدیل به سپرده پس‌انداز یا جاری نشود برای این منظور می‌توان در مقررات این حساب آورد که هر کس قبل از سه ماه سرمایه خود را خارج کند به معنای فسخ قرارداد و انصراف از سود است و از آنجایی که سرمایه جذب شده از طریق این حسابها نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت از ثبات کمتری برخوردار است در مقام سودآوری از توان پایین‌تری برخوردار خواهد بود در نتیجه در مقام تقسیم سود نیز با ضریب کمتری سهم خواهد برد.

ب - سپرده سرمایه‌گذاری بلند مدت

در این نوع حسابها، سپرده‌گذاران به عنوان مشارکت سرمایه نقدی خود را به بانک داده گواهی سپرده سرمایه‌گذاری بلند مدت دریافت می‌کنند این گواهی‌ها می‌تواند در دو شکل با نام و بی‌نام باشد، در گواهی‌های با نام صاحبان سپرده متعهد می‌شوند تا سررسید معین سرمایه خود را خارج نکنند و اگر این کار را کردند به اصل سرمایه یا سود سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت بسنده کنند و در گواهی‌های بی‌نام همانند اوراق سهام عمل می‌شود (با این تفاوت که اینها سررسید معنی دارند) بانک طی زمان مشخصی گواهی‌های مذکور را بر اساس قیمت اسمی به فروش می‌رساند و متعهد می‌شود در سررسید معین حامل اوراق را مالک و شریک بانک شناخته علاوه بر اصل سرمایه سهم سود وی را پرداخت کند، بعد از تمام شدن زمان مشخص اوراق مذکور خارج از بانک به قیمت بازار خرید و فروش می‌شوند صاحبان این اوراق هر وقت به پول نقد نیاز پیدا کردند می‌توانند در بازار بورس یا هر جای دیگر آنها را فروخته به پول نقد تبدیل کنند، روشن است با گذشت زمان متناسب با عملکرد بانک قیمت اوراق قیمت اسمی بیشتر می‌شود. و از آنجایی که این نوع سپرده‌ها از ثبات کامل برخوردار است قابلیت برنامه‌ریزی بانکی را در انتخاب طرحهای سودآور بالا می‌برد در نتیجه در مرحله تقسیم سود بانکی نیز بایستی بالاترین ضریب را داشته باشند.

نتایج الگوی جدید

با تغییراتی که در ماهیت حقوقی سپرده‌ها خصوصاً سپرده‌های سرمایه‌گذاری به وجود می‌آید می‌توان نتایج زیر را انتظار داشت.

۱ - مفهوم و روان بودن معاملات بانکی

در الگوی جدید صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌دانند بانک یک بنگاه اقتصادی است

و آنان سهامداران آن بنگاه هستند و براساس سه پارامتر میزان سپرده گذاری، مدت زمان سپرده گذاری و درجه ثبات سپرده در سود بانک شریک خواهند بود و این یک پدیده جدیدی نیست بلکه در سراسر دنیا اشکال مختلف آن مرسوم است بنابراین نه تنها برای کارگزاران بانک و مشتریان داخلی قابل فهم است برای سرمایه گذاران خارجی نیز مفهوم خواهد بود.

۲- قابلیت نوآوری

چنانچه قبلاً توضیح دادیم نظریه مشارکت در امر سرمایه گذاری پدیده جدید و منحصر به فرد نیست بلکه از زمانهای قدیم و تقریباً در کل دنیا مرسوم بوده و هست، جایگزین کردن این نظریه به جای نظریه وکالت برای صاحب نظران بانک، نظریه پردازان اقتصاد پول و بانکداری این امکان را فراهم می آورد که با مطالعه تجربیات و نوآوریهای بازارهای سرمایه راهها و ابزارهای پویایی طراحی کنند.

۳- قابلیت برای سیاستهای حمایتی

نظریه مشارکت به دولت این امکان را می دهد که به عنوان یکی از شرکا (سهامدار اصلی) خسارتهای احتمالی را به عهده گرفته بازپرداخت اصل سرمایه سپرده گذاران را تضمین کند کما اینکه بانک مرکزی می تواند با تنظیم ضریب سود برای انواع سپرده های سرمایه گذاری و برآورد نرخ سود انتظاری، نرخ سود انتظاری هر یک از انواع سپرده های سرمایه گذاری را اعلان کند.^۱

۴- قابلیت برای اعمال نظریه مدیریت بدهیها (سپرده ها)

چنانچه گذشت امروزه نظامهای بانکی با اتخاذ نظم خاص و هدفداری بین نرخهای بهره سپرده های مختلف ترکیب سپرده ها را مدیریت می کنند، نظریه مشارکت به مدیران بانکهای مرکزی امکان می دهد که براساس مصالح جامعه ضریبهای سود برای انواع سپرده ها را تعیین کنند و در مواقع مقتضی آنها را تغییر داده برای عموم سپرده گذاران اعلان کنند.

۵- قابلیت برای تشکیل بازار ثانوی سپرده ها

در الگوی جدید بانکها با جذب سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت گواهی های سپرده با نام و بی نام که حاکی از میزان مشارکت صاحب آن در سرمایه بانک است در اختیار سپرده گذاران می گذارند گواهی های بی نام که دارنده آن مالک آن محسوب می شود به راحتی قابل نقل و انتقال

۱- توضیح اینکه این دو کار الان هم انجام می گیرد لکن چنانچه گذشت بر اساس نظریه وکالت توجه فقهی و حقوقی ندارد.

به دیگران می‌باشد در نتیجه صاحب آن هر وقت به پول نقد احتیاج پیدا کرد از طریق فروش آن به مقصود خود می‌رسد. و این موجب شکل‌گیری بازار ثانوی برای سپرده‌های مدت‌دار می‌شود که آثار مثبت زیادی هم برای سپرده‌گذار و هم برای بانک دارد که قبلاً توضیح دادیم.

۶- قابلیت برای اجرای سیاست پولی

با شکل‌گیری بازار ثانوی برای گواهی‌های سپرده، بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش آنها سیاست‌های انبساطی و انقباضی پولی اعمال کرده، حجم پول و سود انتظاری را تحت تأثیر قرار دهد و این می‌تواند جایگزین مناسبی برای «عملیات بازار باز» در بانکداری سنتی باشد.

پیشنهاد

برای دستیابی به الگوی جدید لازم است فرهنگ و بازار مناسب برای گواهی‌های سپرده شکل بگیرد و این یک امر زمان‌بر است برای این منظور پیشنهاد می‌شود جایگزینی «نظریه مشارکت» به جای «نظریه وکالت» بتدریج صورت پذیرد به این بیان که بانکها با طراحی بخشی از سپرده‌های بلندمدت بصورت گواهی‌های انتقال‌پذیر براساس نظریه مشارکت زمینه را برای کار فرهنگی آماده کنند و برای موفقیت لازم است در ابتدای کار آن گواهی‌ها را با سررسید کوتاه‌تر (۲ تا ۳ ساله) و با ضریبهای سودی بالاتر انتخاب کرد.